

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: گروه پروسه
برگردان از: س. بهرنګ
۲۴ جون ۲۰۱۳

تحليل ESP (حزب سوسياليست زحمت‌کشان ترکيه)

درباره تحولات اخير ترکيه [۱]

در جنبشی که در هفته‌های اخیر، با اعتراضات پارک گزی در ترکیه به وجود آمد، علاوه بر دانشجویان، جوانان، افسار طبقه متوسط و بورژوازی که با انگیزه حفظ سکولاریزم به اعتراضات پیوستند، نیروها و احزاب چپ از جمله DHKP-C (جبهه خلق)، TKP (حزب کمونیست)، TKİP (حزب کمونیست کارگری)، TİKB (اتحاد کمونیست‌های انقلابی) و MLKP (حزب مارکسیست لنینیست کمونیست) نقش کلیدی بازی کردند. روزنامه Atılım “ (خیزش)، ارگان رسمی ESP (حزب سوسیالیست زحمت‌کشان) که بخش قانونی MLKP می‌باشد، در تاریخ ۱۸ جون یک مقاله تحلیلی را همراه با نتایج یک پژوهش در باره شرکت کنندگان تظاهرات پارک گزی در استانبول منتشر کرده است. این مقاله، ترجمه فارسی خلاصه‌ای از این دو مطلب می‌باشد که لزوماً نه برای تبلیغ یا تأیید عقاید این حزب، بلکه برای به دست آوردن درک درست و عمیق‌تری از تحولات کنونی در ترکیه است که از دیدگاه نیروهای فعال چپ جنبش، ارائه می‌شود.

جوانان با مطالبه “ آزادی ” مقاومت می‌کنند [۲]

طبق پژوهشی که در روزهای ۶ و ۷ جون، با مصاحبه‌هایی که با ۴۴۱۱ معترض در پارک گزی استانبول انجام شده است، ۶۹ درصد معترضان از طریق اینترنت از این اعتراضات خبردار شده‌اند. ۴۹ درصد معترضان وقتی که شدت خشونت پولیس را دیدند، ۱۹ درصد آن‌ها وقتی مسئولین حکومت سعی کردند به درخت‌ها آسیب برسانند، ۱۴ درصد آن‌ها وقتی سخنان نخست وزیر اردوغان را شنیدند، ۱۰ درصد آن‌ها وقتی از پروژه انجام تغییرات در میدان تقسیم خبردار شدند، ۴ درصد آن‌ها وقتی فضائی که در تقسیم به وجود آمده را دیدند و ۳ درصد آن‌ها، در نتیجه دیگر عوامل، به تظاهرات پیوستند.

۹۳.۶ درصد معترضان اعلام کردند که در تظاهرات با هویت یک “ شهروند عادی ” شرکت کرده‌اند، در حالی که ۶.۴ درصد آن‌ها، که نصفشان دانش‌جو می‌باشد، اعلام کردند که به عنوان نماینده یک حزب یا گروه به اعتراضات پیوستند.

پاسخ‌های معترضان به این سوالی که «چرا در تظاهرات پارک گزی حضور دارید»

چنین بوده است:

۵۸.۱٪ برای اعتراض به محدود شدن آزادی‌های شخصی

۳۷.۲٪ برای اعتراض به AKP

۳۰.۳٪ برای اعتراض به سخنان نخست وزیر اردوغان

۲۰.۴٪ برای اعتراض به آسیب دیدن درخت‌های پارک

۱۹.۵٪ برای اعتراض به کل نظام دولت

۸٪ برای دیدن فضای اعتراضات

۴.۶٪ دیگر دلایل

میانگین سن معترضان پارک گزی ۲۸ سال است و شرکت زنان ۱.۶ درصد بیشتر از مردان می‌باشد. ۵۲ درصد معترضان کار می‌کنند در حالی که ۳۷ درصد آن‌ها دانش‌جو و ۶ درصدشان بی‌کارند. ۷۹ درصد معترضان در هیچ گونه حزب، انجمن یا گروه سیاسی فعال نیستند و ۴۴ درصد آن‌ها تا الان به هیچ راهپیمایی یا اعتراضی شرکت نکردند.

۴۱ درصد معترضان پارک گزی، در انتخابات اخیر ترکیه در سال ۲۰۱۱، به CHP، حزب اصلی مخالفت سکولاریست رأی دادند، در حالی که ۳۰٪ آن‌ها در ۲۰۱۱ سن‌شان از ۱۸ سال کمتر بوده و نتوانستند در انتخابات شرکت کنند.

در حالی که ۳۴.۱ درصد معترضان اعلام کردند که مطالباتشان «آزادی» است، ۱۸.۴ درصد آن‌ها برای اعتراض به نقض حقوق بشر و ۹.۷ درصدشان در اعتراض به «دیکتاتوری» تظاهرات کردند. ۹.۵ درصد معترضان اعلام کردند که هدفشان استعفای حکومت است، اما تنها ۳.۲ آن‌ها به طور هدفمند به دنبال «تغییر» نظام و «انقلاب» می‌باشند.

از بحران رژیم به سوی بحران انقلابی [۳]

اعتراضات اخیر در ترکیه، در کل یک خیزش آزادی‌خواهانه به ضد فشارهای دولت بوده است. در نتیجه حمله بی رحمانه ای که از طرف پولیس به ضد یک عده فعال محیط زیستی صورت گرفت، خشم جمع شده مردم به شکل یک عصیان منفجر شد و تبدیل به یک خیزش خود به خودی شد. جوانان در این خیزش نقشی کلیدی داشتند، در حالی که جنبش از رهبری و یک برنامه‌ریزی سیاسی محروم است. با این حال نمی‌توان گفت که این خیزش خاصیتی غیرسیاسی دارد، چرا که دخالت مردم به عملکرد دولت، ذاتاً سیاسی است و باعث رشد آگاهی انقلابی شده است. این خیزش یک ضربه دموکراتیک انقلابی علیه فاشیزم است و احتمالاً پارک گزی تبدیل به گورستانی برای «آ.ک.پ» خواهد شد. البته که این نتیجه‌ای نیست که به زودی بتوان به دست آورد، اما در کل جنبش شروع یک پایان برای «آ.ک.پ» خواهد شد.

همان‌طور که می‌دانیم، با کودتای ۱۲ سپتمبر ۱۹۸۰ در ترکیه یک دیکتاتوری فاشیست نظامی تشکیل شد. اما خیزش ملی کرد رژیم را وارد یک بحران کرد. در همان دوران، برای منافع امپریالیسم، ستراتژی الیگارشی سرمایه تبدیل به بازسازی نظام دولت شد. طبقه نظامی یک عامل بازدارنده مقابل این بازسازی بود که در دوران «آ.ک.پ» از بین برداشته شد. «آ.ک.پ» با وارد کردن اسلام به عرصه سیاسی کشور به جای نژادپرستی (ملی‌گرایی) و با گام‌های محدود دموکراتیک سعی کرد این بحران رژیم را از بین ببرد. اما نه مسئله کرد، نه مسئله اقلیت علوی و نه دیگر مسائلی که در ارتباط با آزادی سیاسی بودند، نتوانست تحت رژیم جدید دیکتاتوری ارتجاعی اسلام‌گرای فاشیست رفع بشود. روند صلحی که اخیراً بین جنبش ملی کرد و دولت صورت گرفت، نشانه این بن‌بست بود. جنبش کرد روی رژیم فاشیستی فشار می‌آورد تا آن را به دموکراسی بورژوائی تبدیل کند، در حالی که «آ.ک.پ» خود را به گام‌های سطحی دموکراتیک، که خاصیت رژیم را تغییر نمی‌داد، محدود می‌کرد. با خیزش پارک گزی، یک عامل جدید به این روند وارد شد. «آ.ک.پ» نمی‌تواند طولانی مدت جلوی مطالبه آزادی جوانان معترض بایستد. مبارزه متحد کردها، علوی‌ها

و جوانان ترکیه، هم به رژیم فاشیستی و هم به «آ.ک.پ.» عمیقاً ضربه خواهد زد. نمی‌توان گفت این ضربه تبدیل به یک انقلاب می‌شود یا نه. اما مطمئناً تشکیل یک اراده انقلابی دموکراتیک متحد بین نیروهای مترقی ترکیه، شفق انقلاب را نزدیک خواهد کرد.

الیگارشی سرمایه‌داری، باور دارد که می‌تواند با تحقق صلح با جنبش کُرد، از تبدیل شدن بحران رژیم به یک بحران انقلابی جلوگیری کند. اما خیزش مردمی نشان داد که احتمال تبدیل شدن این بحران رژیم به یک بحران انقلابی تا چه حد زیاد است. مطمئناً الیگارشی سرمایه‌داری و حکومت با احساس خطر، به سرکوب شدیدی علیه نیروهای انقلابی این خیزش دست خواهد زد. اما این سرکوب، روند کلی بحران را تغییر نخواهد داد.

امروز در تمام دنیا، نظام سرمایه‌داری در یک بحران اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک قرار دارد. از سوئی، تضاد نیروی کار و سرمایه عمیق می‌شود و از سوی دیگر، تضاد دولت و خلق شدیدتر می‌شود. این دو تضاد، عرصه اجتماعی و سیاسی خیزش مردمی را تشکیل می‌دهد که جوانان، در صفوف اول آن‌ها حضور دارند. بدون شک این تضادها، نسبت به شرایط مشخص تاریخی و اجتماعی هر کشور، شکل می‌گیرد. در مورد ترکیه می‌توان گفت که در دوران حکومت «آ.ک.پ.» (یعنی از سال ۲۰۰۲ تا به حال) ترکیه سریع‌تر به سمت سرمایه‌داری پیش رفته است: شهرها بزرگ‌تر شدند و روستاها اهمیت سابق‌شان را از دست دادند. در تمام شهرها دانشگاه ساخته شد و بخش گسترده مردم به ابزار ارتباطی پیشرفته دسترسی پیدا کردند. در نتیجه بین هویت اسلامی «آ.ک.پ.» و این تغییر اجتماعی، تضادی پیش آمد. تغییر اجتماعی از ایدئولوژی «آ.ک.پ.» فراتر رفت و دخالت‌های دولت در شیوه زندگی سکولار و تحمیل شیوه زندگی سنتی، باعث عکس‌العمل جوانان شد.

موقعیت نیروهای فعال جنبش، روند آینده آن را مشخص خواهد کرد. می‌توان گفت که سه نیروی اصلی، در این جنبش نقش داشتند: انقلابی‌ها و مترقی‌ها، ناسیونالیست‌های ترک، و اقشار بی‌طرف اما مخالف حکومت. آینده جنبش، به تأثیرگذاری انقلابی‌ها یا ناسیونالیست‌ها روی بخش سوم، بستگی دارد.

موج خیزش پارک گزی بدون شک عقب‌نشینی خواهد کرد، اما این به این معنی نیست که خیزش کاملاً خاموش بشود. این موج با عقب‌نشینی از بین نخواهد رفت، بلکه شدیدتر خواهد برگشت. چرا که نظام سرمایه‌داری و رژیم‌های سیاسی گوناگون این نظام، توانایی نرم کردن تضادهای مذکور را از دست داده اند. عصیان پارک گزی، اولین گام شرایط انقلابی بود که در غرب ترکیه آغاز شد. بزرگترین دست‌آورد این عصیان، به دست آوردن تجربه خیزش از سوی مردم ترک بود. به عکس کُردها، مردم ترک در تاریخ جمهوریت ترکیه خیزش شدیدی را تجربه نکرده بودند. اما تجربه پارک گزی نشان دهنده فاصله ایجاد شده بین مردم ترک و دولت ترک بود. خود این رویداد، اهمیتی انقلابی دارد. خیزش، نشان داد که انقلاب نه تنها دور نیست، بلکه احتمالی روزانه دارد. باعث شد که سکوت بشکند و اقشار تحت ستم روحیه و قدرت بگیرند. فضای ترس و سرخوردگی که پس از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ در مردم ترک حکم فرما بود، دیگر از بین رفت. این دست‌آورد نیز اهمیتی انقلابی دارد.

از طرف دیگر، امروز بیش‌تر از انقلاب ملی، انقلاب‌های منطقه‌ای مطرح است. در کنار روند انقلابی عرب و روند انقلابی کُرد، روند انقلابی ترکیه نیز در جنبش‌های مردمی ضدسرمایه‌داری جهان، نقشی را به دست آورد. خیزش گزی می‌تواند منبع آگاهی در عرصه آزادی، برابری و ضدسرمایه‌داری بشود. به وجود آمدن این آگاهی در کشوری که به عنوان مدل بعد از بهار عرب معرفی شد، می‌تواند موج جدید انقلاب را در کشورهای خاورمیانه، به وجود آورد.

[۱] منبع: روزنامه «Atılım» شماره ۷۰

[۲] (Atılım، شماره: ۷۰، صفحه ۶)

[۳] (Atılım، شماره: ۷۰، صفحه ۳-۲)